

## دعای امام حسین (ع) در روز عرفه

اعمال ماه ذی الحجه - روز نهم، و از جمله دعاهاى مشهور این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام است بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آن حضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كُصْنِعِهِ صَانِعٌ

ستایش مخصوص آن خدایی است که هیچکس در عالم سر از حکم و فرمانش نتواند کشید و بخشش او را منع نتواند کرد و هیچ صانعی در آفرینش مانند صنع او پدید نتواند ساخت

وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَائِعِ وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ

و اوست بخشنده بی‌پایان و انواع بدایع مخلوقات را بیافرید و بحکمت بالغه صنایع را متقن فرمود

لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الظَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ (أَتَى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ وَبِشَرِّعِ الْإِسْلَامِ النَّوْرِ السَّاطِعِ وَاللُّحْلِيْقَةَ صَانِعٌ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفُجَائِعِ)

نه چیزی در جهان پدید آید که از نظر عنایتش هرگز پنهان گردد و نه آنچه نزدش ودیعه نهند هیچگاه نابود

شود

## جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ

عمل هر کس را پاداش دهد و امور اهل قناعت را اصلاح کند به حال هر کس به درگاهش تضرع و زاری کند  
ترحم فرماید

## وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكَتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ

هر منفعت را به خلق او نازل گرداند چنانکه کتاب جامع را با نور علم و اشراق ایمان او نازل فرمود

## وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ

اوست که دعای بندگان را مستجاب می گرداند و گرفتاریهایشان را دفع میکند و مقامشان را بالا میبرد و  
گردنکشان را سرکوب میکند

## فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَلَا يَسْ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

پس غیر آن ذات یکتا هیچ خدایی نیست و او را عدیل نباشد و مثل و مانند ندارد

## وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

شنوای دعای خلق و بینای امور عالم است به دقایق اشیاء بصیر و آگاه است و بر هر چیز توانایی و قدرت کامل  
دارد

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ

ای خدا من اشتیاق دارم و به یکتائیت گواه و به ربوبیت معترفم

مُقَرَّرًا (مُقَرَّرٌ) بِأَنَّكَ رَبِّي وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا

و می دانم که تو مربی و پروردگار منی و بازگشت من بسوی توست تو در اول که من نابود بودم

وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسَكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِنًا لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ

به من نعمت وجود بخشیدی و مرا از خاک بیافریدی آنگاه در صلب پدرانم جای دادی و از حوادث زمان و موانع دهر و اختلاف و تغییرات روزگاران مرا محفوظ داشتی

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْحَالِيَةِ

تا آنکه پی در پی از یکایک پشت پدرانم به رحم مادران انتقال یافتم در آن ایام پیشین و دوران گذشته

لَمْ تُخْرِجْنِي لِزُفْتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي (بِي) وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا

عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ

و از آنجا که با من رأفت و مهربانی داشتی و نظر لطف و احسان مرا در دور سلطنت پیشوایان کفر و ضلالت که عهد تو را شکستند و رسولانت را تکذیب کردند به دنیا نیاوردی

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي (رَأْفَةً مِنْكَ وَتَحَنُّنًا عَلَيَّ) لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يُسِّرْتَنِي

و لیکن زمانی بوجود آوردی که از برکت پیشوای توحید حضرت خاتم پیغمبرانت مقام هدایت که در علم ازلیت مقرر بود بر من میسر فرمودی

وَفِيهِ أَشْأَتُنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتْ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ

و در این عصر هدایت مرا پرورش دادی و از این پیش هم پیوسته با من نیکویی و مهربانی کردی و به نعمت فراوانم متنعم ساختی

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيَّيْ مُنَى وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ

تا آنگاه که آفرینشتم به مشیتت از آب نطفه فرمودی و در ظلمات سه گانه در میان لحم و دم مسکن دادی

لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي (لَمْ تُشْهَرْنِي بِخَلْقِي) وَلَمْ تُجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي

نه مرا از کیفیت خلقتم آگه ساختی و نه کاری در آفرینشتم به من واگذار کردی

ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا

تا آنکه مرا بر آن رتبه معرفت و هدایت علم ازلی با خلقت کامل و آراسته به دنیا آوردی

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً

و در گهواره که کودکی ناتوان بودم مرا نگهداشتی و از شیر مادر غذایی گوارا روزیم کردی

وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ (الرَّحَائِمِ) وَكَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِ

و دل‌های دایگان را به من مهربان ساختی مادران مهربان را برای محافظتم از آسیب جن و شیطان برگماشتی

وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ

و از عیب و نقصان خلقتم را پیراستی به هر حال بسی بلند مرتبه خدای مهربانی

حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقاً بِالْكَلَامِ أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي زَانِداً فِي كُلِّ عَامٍ

پس آنگاه که زبانم به سخن گشودی و نعمت بی‌حدت بر من تمام کردی و در هر سال به تربیتت فزونتر شدم

حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي (سَرِيرَتِي) أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مَحْتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ

رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ (فِطْرَتِكَ)

و خلقتم مقام کمال یافت و قوای جسم و جانم به حد اعتدال رسید پس حجت را بر من الزام

نمودی و معرفت خود را به قلبم الهام فرمودی و در عجایب حکمتهای خویش چشم عقلم را حیران ساختی

وَأَيُّقُظْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ

و مرا بیدار و هشیار کردی تا در آسمان و زمین بدایع مخلوقات را مشاهده کنم و مرا به یاد خود و شکر نعمتهای بی حد خویش متذکر ساختی

وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلَكَ

و فرض نمودی بر من طاعت و عبادت را و فهم علوم و حقایقی که پیمبران ت به وحی آوردند به من عطا فرمودی

وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ

و روح بزرگ مرا برای فهم پذیرفتن عطا کردی و به سعه صدر در یافتن مقام رضا و تسلیم را بر من آسان کردی و در تمام این مرحمتها بر من به اعانت و لطف خود منت گذاری

ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ (حُرِّ) الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً (بِنِعْمَةٍ) دُونَ أُخْرَى

سپس که مرا از بهترین خاک بیافریدی و برای آسایش من به یک نوع نعمت راضی نشدی بلکه به انواع نعمتهای بیشمار مرا متنعم ساختی

وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْعَظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ

و به هر گونه طعام و لباس و اثاث زندگی برخوردارم کردی و همه صرف لطف بی حد و احسان نامتناهی تو بود

حَتَّىٰ إِذَا أَتَمَّمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ

و چون هر گونه نعمت را بر من تمام کردی و هر گونه رنج و بلا را از من برطرف نمودی

لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِيَّ وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَىٰ (عَلَىٰ) مَا يَقْرُبُنِي إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِيلُنِي لَدَيْكَ

باز جهل و بی‌باکی من تو را مانع از این لطف بزرگ نشد که دلالتم کنی و به هر چه سبب خشم و غضب توست و به مقام قرب خود موفق سازی

فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي

و با همه بیباکی و گناه باز هر وقت تو را خواندم اجابت کردی و چون از تو درخواستی کردم عطا فرمودی و اگر تو را اطاعت کردم پاداش کامل دادی

وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ (إِكْمَالاً) لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ

و اگر شکرت بجای آوردم بر نعمتم افزودی همه این لطفها را فرمودی تا نعمت و احسانت را بر من به حد کمال  
رسانی

فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ مُجِيدٍ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ أَلْوَاكُ

زهی پاک و منزّه خدایی که پدید آورنده آفرینش و بازگرداننده خلقی ستوده صفات و با مجد و عزتی نامهای  
مقدسست پاک و نعمتهایت بزرگ

فَأَيُّ (فَأَيُّ) نِعْمَتِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدْدًا وَذِكْرًا أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا

پروردگارا چه نوع از نعمتهای بی حسابت به ذکر و شمار توان آورد کدام یک از عطاها را به وظیفه شکرش  
قیام توان کرد

وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ (أَكْبَرُ) مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ

در صورتی که نعمتت بیش از آن است که حساب دانان بشمار آرند یا حافظان به آن دانا شوند

ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الصُّرِّ وَالصَّرَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَاءِ

و باز پروردگارا آن رنج و زیانها را که از من به مرحمتت دفع کردی بیش از آن همه نعمت و عافیت است که به  
ظاهر مشاهده می‌کنم

وَأَنَا (فَأَنَا) أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي

و من گواهی می‌دهم برای خدا از خلوص و حقیقت ایمانم به عهد قلبم که از فرایض مقام یقین من است و  
توحیدی خالص و پاک از شایبه

وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي

و از باطن سر ضمیرم و از رشته‌های بینش نور چشم و اسرار نقشهای جبینم



وَحُرُقِ مَسَارِبِ نَفْسِي (نَفْسِي) وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عَرِينِي وَمَسَارِبِ سِمَاخِ (صِمَاخِ) سَمْعِي

و شکاف راههای نفسهایم و مخزن و محفظه شامه‌ام و روزنه‌های وصول امواج صوتی به سماخ و استخوان  
سامعه‌ام

وَمَا ضَمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي

و آنچه را هر دو لبم از بر هم نهادن می‌پوشاند و به حرکات بی‌شمار زبانه‌م

وَمَعْرُزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي

و محل ارتباط فک بالا و فک پایینم و مکان روییدن دندان و عصب قوه ذایقه که جایگاه ادراک گوارایی طعام و  
شراب است

وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي وَبَلُوعِ فَارِعِ حَبَائِلِ (بُلُوعِ حَبَائِلِ بَارِعِ) عُنُقِي

و آن استخوان که ام رأس من بر آن استوار است و وسعتگاهی که مکان رشته‌های اعصاب گردن من است

وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي وَ (جَمَلِ) حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَازِ حَوَاشِي

### کبدي

و آنچه فضای سینه من بر آن محیط است و آنجا که رشته رگ و تینم حمایل است و آنجا که پرده قلبم و قطعات اطراف جگرم بدان مرتبط است

وَمَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيْفُ اضْلَاعِي وَحِقَاقُ (حِقَاقِ) مَفَاصِلِي وَقَبْضُ (قَبْضِ) عَوَامِلِي وَأَطْرَافُ

### (أَطْرَافِ) أَنَامِلِي

و شراسیف (دنده‌های) استخوان و غضروف پهلو و سربندهای مفاصل من و قبض (و بسط) قوای عامله من و سر انگشتان من

وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَعَصْبِي وَقَصْبِي وَعِظَامِي

و گوشت و خون و موی و پوست و اعصاب و ورید و شریان من و استخوانها

وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيْعُ (جَمِيْعِ) جَوَارِحِي

و مغز و رگ و پی‌های من و تمام اندامم

وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رَضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ  
رُكُوعِي وَسُجُودِي

انساج پرده‌ها و غشاهایی که دوران شیر خوارگیم منسوج شده و آنچه زمین از من در پشت خود برداشته است  
و خواب و بیداری من و آرامش و جنبش من و رکوع و سجود من

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمَرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعِمَاتِكَ  
مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ

که از بسیاری آنها اگر به قصد و کوشش در ضبط آنها عمری بپردازم طول مدت عصرها و بلکه قرن‌ها اگر عمر  
کنم شکر یکی از آن نعمتها را نتوانم کرد

إِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِشُكْرِكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا

مگر باز به نعمت دیگری که آن نیز بر من شکر سر از نو و ستایشی تازه واجب گرداند

أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنْ أَمِئَكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ (سَالِفَةً) وَأَنْفِهِ (أَنْفَةً)

آری و اگر من و تمام حساب دانان عالم خلقت بخواهیم نهایت نعمتهایت از گذشته و حال و آینده را احصاء و  
شماره کنیم

## مَا حَصْرَنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا

هرگز بر حساب و شماره‌اش و درک نهایتش قادر نخواهیم بود

هَيْهَاتَ أَنِي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبِيُّ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا

هیئات کجا توانیم در صورتی که تو خود در کتاب ناطق قرآن (که مبین حق و حقیقت است)

بیان فرمودی که اگر خواهید که نعمتهای خدا را بشمار آرید هرگز نتوانید

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنبَاؤُكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَ

بِهِمْ مِنْ دِينِكَ

و البته کتاب و اخبار تو ای خدا صدق و حقیقت است سخنی است که به پیمبران و رسولانت الهام شده و از مقام و حیت نازل گردیده است و دین خود را به آن وحی و روی آن کتاب تشریح کردی

غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي (طَاقَتِي) وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا

و علاوه بر اینکه من ای خدا شهادت می‌دهم با تمام توجه و کمال جدیت و به قدر طاعت و طاقتم وسعت فکر و معرفتم و با مقام ایمان و یقین می‌گویم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَوْرُوثًا

که حمد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزند ندارد تا وارثی بر او باشد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ

و شریکی در سلطنت ندارد تا در ابداع و اختراعش کسی مخالفت و ضدیت کند

وَلَا وَّلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفَنُ فِيمَا صَنَعَ فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا

و قدرت کامله‌اش در صنع و ابداع محتاج به معاونت کسی نیست تا او را یاری کند منزه است

خدای یکتایی که اگر جز او خدایانی بودند نظم آسمان و زمین فاسد گشتی و از هم گسیختی

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

منزه است خدای یگانه یکتا که غنی بالذات است فرزندی ندارد و خود فرزند کسی نباشد و هیچکس مثل و

مانند او نیست

الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ

ستایش خدای را آن گونه ستایش که فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل کنند

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّم

و درود به حبیب برگزیده او محمد خاتم پیغمبرانش و بر آل او که همه پاکان و پاکیزگان عالم و بندگان خاص خالص اویند

پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود  
پس گفت

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ

ای خدا بمن آن مقام ترس و خشیت از جلال و عظمتت را عطا کن که گویا تو را میبینم و مرا بتقوی و طاعتت سعادت بخش و بعصیانت شقاوتمند مگردان و قضا

وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ

و قدرت را بر من خیر و مبارک ساز تا در خوش و ناخوش مقدراتت آنچه دیر می‌خواهی بر من زودتر دوست ندارم و آنچه زودتر می‌خواهی دیرتر مایل نباشم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي

خدایا مرا به بی‌نیازی در نفس و یقین در قلب و اخلاص در عمل

وَالنُّورِ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي

و نور در چشم و بصیرت در دین عطا فرما و به اعضاء و جوارحم بهره‌مند کن و گوش و چشم را دو وارث من گردان

وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي وَأَقْرِبْ ذَلِكَ عَيْنِي

و بر هر کس به من ظلم می‌کند مرا یاری فرما و انتقام و تسلطم را نمودار ساز و بدان تسلط بر ظالم مرا دلشاد گردان

اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَاحْسَأْ شَيْطَانِي

ای خدا تو غمهایم برطرف و عیبهایم مستور ساز و از خطاهایم درگذر و شیطانم را بران

وَفَكَرْ رَهَائِي وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى

و ذمه‌ام (از هر حقوق) برهان و ای خدای من در دنیا و آخرت به من عالیتین درجه را عطا فرما

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا

ای خدا تو را ستایش می‌کنم که به قدرت کامله مرا آفریدی پس آنگاه شنوا و بینا گردانیدی

وَلَا الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا (حَيًّا) سَوِيًّا رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَيًّا

و تو را ستایش می‌کنم که چون مرا آفریدی از لطف و عنایتی که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در صورتی که از وجود من بی‌نیاز بودی

رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أُنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي

پروردگارا چون مرا ایجاد کردی فطرت و طبیعتم را مقام اعتدال بخشیدی پروردگارا چنانکه مرا خلق کردی و صورتم زیبا نگاشتی

رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ (بِي) وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَقَّيْتَنِي

پروردگارا چنانکه مرا مراقبت کردی و توفیق دادی

رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي

پروردگارا چنانکه به من انعام فرمودی و هدایتم کردی پروردگارا چنانکه مرا برگزیدی و از هر خیرم عطا نمودی

رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي

پروردگارا چنانکه مرا غذا دادی و سیرابم کردی پروردگارا چنانکه مرا بی‌نیاز گردانیدی و سرمایه و عزت بخشیدی



رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پروردگارا چنانکه مرا به لباس کرامت خاص در پوشانیدی و از مصنوعات به حد کافی در دسترس من نهادی چنانکه این موهبتها را فرمودی هم درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

و در سختیهای روزگاران و حوادث شبان و روزان مرا یاری کن

وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَأَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

و از هول و خطرهای دنیا و غم و اندوه آخرتم نجات بخش و از شر اعمال ستمکاران روی زمین محفوظم دار

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَكَفِنِي وَمَا أَحْذَرُ فَقِنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي

ای خدا تو از هر چه بترسم کفایت کن و از آنچه هراسانم نگاهم دار و در جان و دین محافظتم فرما

وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُقْنِي وَفِي مَارِزَتِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي

و در سفر نگهداری کن و در اهل و مال مرا جانشین عطا کن و در آنچه نصیبم کردی برکت بخش و مرا در پیش خود خوار

وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظُمَنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمَنِي

و در چشم مردم بزرگ ساز و از شر جن و انس سلامتتم دار

وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسِرِّي تِي فَلَا تُخْزِنِي وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَنِعْمَكَ فَلَا تُسَلِّبْنِي وَإِلَى غَيْرِكَ  
فَلَا تَكِلْنِي

و به گناهانم رسوا مگردان و به اندیشه‌های باطنیم مفتضح و به عمل (ناشایسته‌ام) مبتلا مساز و نعمتهایت را از من مگیر و مرا به غیر خودت واگذار مکن

إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَجْهَمُنِي أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي  
وَمَلِكُ أَمْرِي

ای خدا مرا به که و می‌گذاری به خویش و نزدیکان که از من علاقه برند یا به دور و بیگانگان که با من خشونت و نفرت آغازند یا به آنان که مرا ضعیف و ناتوان خواهند در صورتی که تو پروردگار من و مالک امور من هستی

أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي

به تو از غربت و ذلت خود شکایت می‌کنم از دوری منزلت شکایت می‌کنم و از ذلت و خواریم در مقابل کسی که او را مالک امر من گردانیدی به تو می‌نالم

إِلَهِي فَلَا تُحِلِّ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي (سَوَاكَ) سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ  
عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي

ای خدا پس تو بر من قهر و غضب نکن که باک از چیزی غیر معصیت تو ندارم آن هم ای ذات منزه سهل است  
که لطف و عافیتت مرا وسیعتر است

فَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ نُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكَشِفَتْ (انْكَشَفَتْ) بِهِ  
الظُّلُمَاتُ

پس از تو ای پروردگار من درخواست می‌کنم به نور جمالت بر زمین و آسمان تابش کرده و ظلمت را از جهان  
برانداخته

وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ أَنْ لَا تُؤْتِنِي عَلَى غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ

و اصلاح امر اولین و آخرین بدان بسته است که مرا در حال قهر و غضبت نمیرانی و خشمت بر من نازل نگردانی

لَكَ الْعُتْبَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ قَبْلَ ذَلِكَ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ

که می‌توانی از خشم به لطف باز آیی و از من خشنود شوی پیش از آنکه غضب فرمایی عالم را خدایی جز تو  
نیست که خدای مکه

## وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبُرْكَهَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا

و مشعر الحرام و بیت العتیق و در آن حرم برکت و رحمت فرود آوردی و آنجا را مقام امن و امان برای مردم قرار دادی

## يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ

ای آنکه به حلم از گناهان بزرگ بندگان درگذشتی و از فضل نعمتت را بر خلق به حد کمال رسانیدی

## يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عِدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي

و عطاهای بزرگ به کرم عطا کردی ای ذخیره روز سختی من ای همدم وقت تنهایی من

## يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

ای فریادرس من هنگام رنج و بلا ای ولی نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم و اسمعیل

## وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ (مِيكَالَ) وَإِسْرَافِيلَ

و اسحاق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

## وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَجَبِّينَ وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

و ای پروردگار محمد خاتم انبیاء و آل برگزیده پاکش ای خدای فرستنده کتاب تورات و انجیل

## وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَمُنْزِلِ كَهْيَعِصِ وَطِهٍ وَيَسٍ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و زبور و فرقان و فرستنده کهیعص و طه و یس و تمام قرآن حکیم

## أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَدَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا (بِمَارْحَبَتِكَ) وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ

ای خدا تویی پناهم هرگاه طرق زندگانی با همه وسعت بر من مشکل شود و زمین با همه فراخی بر من تنگ گردد اگر رحمتت شامل حالم نگردد مسلم از اهل هلاکت خواهم بود

## وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

و تویی که از لغزشم بر می گردانی و گناهانم مستور می سازی که اگر پرده پوشی تو نبود البته رسوا و مفتضح می گردیدم

## وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ (لِي) لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ

و تو به یاریت مرا بر دشمنان ظفر می بخشی که اگر نصرتت نبود من مغلوب دشمن می شدم

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ

ای آنکه ذات خود را به علو مقام و رفعت مخصوص گردانیدی و دوستدارانت را به عزت خود عزیز ساختی

يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

ای آنکه پادشاهان را به درگاهت طوق مذلت به گردن نهادی که سخت از قهر و سطوتت هراسان و ترسانند

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ

ای آنکه بر نگاه گوشه چشمها و اسرار پنهان در دلها و حوادث آتیه سلسله زمان و دور روزگاران بر همه آگاهی

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ

ای آنکه چگونگی آن ذات پنهان را کسی جز او آگاهی ندارد ای آنکه حقیقت او را جز او هیچکس نمی داند

يَا مَنْ لَا (يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ) يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ

ای آنکه بر او غیر او کس آگاه نیست ای آنکه زمین را در آب فرو بردی و هوا را به آسمان سد بستی

يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا

ای آنکه او را گرامیترین نامهاست ای صاحب کرمی که هرگز احسانش منقطع نشود

يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا

ای آنکه قافله (مصر) را برای (نجات) یوسف در بیابان فقر نگاهداستی و از قعر چاهش برآوردی و پس از بندگی به او شاهی رسانیدی

يَا رَادَّةَ عَلَيَّ يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ أَيَّصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

ای که یوسف را به یعقوب باز گردانیدی پس از آنکه دو چشمش از خون و اندوه سفید گشت و غم دل پنهان می‌داشت

يَا كَاشِفَ الصُّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ وَ (يَا) مُمَسِّكَ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ

ای برطرف کننده رنج و آلام ایوب و نگهدارنده دو دست ابراهیم خلیل در سن پیری و پایان عمر از ذبح فرزندش اسمعیل

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يُدْعِهِ فَرْدًا وَحِيدًا

ای آنکه دعای زکریا را مستجاب کردی و یحیی را در پیری به او عطا فرمودی و او را تنها و بی‌کس (و وارث) نگذاشتی

يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ  
مِنَ الْمَعْرُوقِينَ

ای آنکه یونس را از شکم ماهی بیرون آوردی ای آنکه دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و آنان را نجات دادی و فرعون و سپاهش را غرق دریای هلاکت نمودی

يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

ای آنکه بادها را به بشارت پیشاپیش (باران) رحمت فرستادی

يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُودِ

ای آنکه در کیفر معصیت کاران خلق تعجیل نفرمایی ای آنکه ساحران عصر موسی را بعد از مدت‌ها کفر و انکار از عذاب نجات بخشیدی

وَقَدْ غَدَاؤْنَا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ

در صورتی که دایم به نعمت متنعم بودند و روزیت را خوردند و غیر تو را پرستیدند و به دشمنی خدا و شرک به او برخاستند و پیمبرانش را انکار کردند



يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ يَا بَدِيْعُ (بَدِيْعاً لَا نِدَّ بَدْءٍ) لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيِّ

ای خدا ای خدا ای پدید آورنده بی سابقه ای که بی مثلی و مانند نداری ای ذات دائم ابدی که هرگز فنا نپذیری  
ای زنده ازلی هنگامی که هیچ زنده‌ای نبود

يَا مُحْيِي الْمَوْتِي يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

ای زنده کن مردگان ای آنکس هر کس را با هر چه کسب و کار کند نگهبانی کنی

يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَيْتَنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ  
يُشْهَرْنِي (يُحَذُّنِي)

ای آنکه من شکرت را اندک کنم و باز از نعمت محرومم نساختی و خطای بزرگ و بسیار کردم و مرا رسوا  
نکردی و مرا در حال عصیان بسیار دیدی و بی آبرویم نفرمودی

يَا مَنْ حَفَظَنِي فِي صَغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي

ای آنکه مرا در کودکی (از آفات) حفظ فرمودی ای آنکه مرا در پیری روزی دادی

يَا مَنْ أَيْدِيهِ عِنْدِي لِأُحْصِيَ وَنِعْمَهُ لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ  
وَالْعِصْيَانِ

ای آنکه الطاف و نعمتهایش شمرده نشده و سپاس گفته نشود ای آنکه با من به خیر و احسان روی آورده و من در عوض زشتی و عصیان نمودم

يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أُعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ

ای آنکه مرا بر مقام ایمان هدایت کردی پیش از آنکه به شکر نعمت شناسا گردم

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعَرِيانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَشَبَعَنِي

ای آنکه در حال مرض تو را خواندم و مرا شفا بخشیدی و در حال برهنگی خواندم لباس پوشانیدی و در حال گرسنگی و تشنگی خواندم طعامم دادی

وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَوَدَّعَنِي

و سیرابم نمودی و در ذلت خواندم عزیزم فرمودی و در نادانی بمقام معرفت رسانیدی و در تنهایی جمعیتم دادی و غایب از اهل و وطن شدم به وطن بازم گردانیدی

وَمُقِلًا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَانصُرْنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأْنِي

و در فقر و بینوایی خواندم غنی گردانیدی یاری طلبیدم مظفر و منصورم ساختی و در حال غنا بودم دارائیم باز نگرفتی و اگر از خواندنت در این احوال خودداری کردم باز ابتدا به احسان فرمودی

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي

پس ستایش و سپاس مخصوص توست ای آنکه عذر لغزشهایم پذیرفتی و غم و اندوهم برطرف ساختی و دعایم اجابت فرمودی

وَسَرَّ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي

و گناهمانم بخشیدی و به مطلوبم رسانیدی و بر دشمن یاری و نصرتم دادی

وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مِنْكَ لَا أُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ

به هر حال نعمت و احسانها و عطاهای گرامیت را هرگز به شمار نتوانم آورد ای مولای من

أَنْتَ الَّذِي مَنَّتَ أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ

تویی که عطا فرمودی تویی که نعمت دادی تویی که احسان کردی تویی که نیکویی کردی

## أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ

تویی که فضل و کرامت فرمودی تویی که (لطف را) کامل گردانیدی تویی که روزی بخشیدی تویی که توفیق دادی

## أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ

تویی که به خلق عطا فرمودی تویی که فقیر را غنی ساختی تویی که سرمایه دادی تویی که پناه دادی تویی که امور بندگانت را کفایت کردی

## أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ

تویی که هدایت کردی تویی که خوبان را عصمت از گناه کرامت کردی تویی که گناهان را مستور ساختی تویی که گناهان را آمرزیدی

## أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْزَزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ

تویی که عذر گناهان را پذیرفتی تویی که تمکن و جاه بخشیدی تویی که عزت و جلال دادی تویی که اعانت فرمودی

## أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ

تویی که مدد فرمودی تویی که تأیید توانایی دادی تویی که یاری فرمودی تویی که بیماران را شفا دادی

أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

تویی که عافیت بخشیدی تویی که اکرام فرمودی تویی که برتری دادی

فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبَاءً أَبَدًا

پس حمد و ستایش مخصوص توست و شکر و ستایش دایم تو را سزااست

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي

باز ای خدای من به گناهانم مقرر و معترفم پس تو به کرم از من درگذر

أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ

من آن بنده‌ام که بد کردم من همانم که خطا کردم من همانم که اهتمام به عصیان کردم من همانم که نادانی کردم من همانم که غفلت ورزیدم

أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ

من همانم که سهو کردم من همانم که به خود اعتماد کردم و من همانم که (به خواهش دل) عمدا کردم من همانم که وعده کردم و مخالفت نمودم

وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَبْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَ

أَبُوءُ بِذُنُوبِي

و من همانم که عهد خود شکستم من همانم که اقرار کردم من همانم که اعتراف به نعمت و عطایت بر خود کردم و بازگناهان رجوع نمودم

فَاغْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ

پس چون معترف و تائبم از آن گناهان درگذر ای خدایی که گناهان بندگانت هیچ تو را زیان نخواهد داشت و از طاعتشان هم البته بی نیاز خواهی بود

وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي

و هم آنان که عملی شایسته می کنند به توفیق و اعانت و رحمت می کنند پس ای خدای من و مولای من ستایش مخصوص توست

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصَبْتُ لَا ذَابِرَاءَ لِي فَأَعْتَذِرُ وَلَا ذَا قُوَّةٍ

فَأَنْتَصِرَ

ای خدا تو مرا امر کردی و من عصیان امرت کردم تو نهی کردی و من مرتکب نهیت شدم اکنون نه کسی که گناهانم مبرا و پاک سازد و نه صاحب قدرتی که از او بر دفع عذاب یاری طلبم

فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ (أَسْتَقْبِلُكَ) يَا مَوْلَايَ اِسْمِعِي اُمِّ بَصْرِي اُمِّ بِلَسَانِي اُمِّ بَيْدِي اُمِّ بَرَجَلِي

پس با چه وسیله رو بسوی تو آورم آیا به قوه شنوایی یا بینایی یا بوسیله زبان معذرت خواهم یا به دست و پا خدمتی توانم

أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ

آیا این قوا و اعضاء که مرا است همه نعمتهای تو نیست و بهمه آنها معصیت تو نکردم ای مولای من پس تو را بر من اتمام حجت است و راه هر اعتراض بسته‌ای

يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمَنْ

السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي

کسی که مرا از زجر پدران و مادران هم مستور و محفوظ داشتی و از سرزنش خویشان و برادران و قهر و عقاب پادشاهان نگهداری فرمودی

وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي وَلَوْ رَفَضُونِي وَقَطَعُونِي

و اگر اینان ای مولای من چنانکه تو مطلعی بر زشتی و رسوائیهای من مطلع می‌بودند ابدًا مهلت نمی‌دادند و مرا از خود می‌رانند و به کلی از من می‌بریدند

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ

باری من همین بنده (پر گناهم) که در حضورت ای سید من سرافکننده و خوار و ذلیل و عاجز و ناچیزم

لَا ذُوبَرَاءَ فَاَعْتَدِرُوا وَلَا ذُقُو قُوَّةَ فَاَنْتَصِرُوا وَلَا حُجَّةَ فَاَحْتَجِّ بِهَا

نه بر تبرئه خود عذری توانم آورد و نه بر نجات خود صاحب قدرتی که از او یاری طلبم و نه حجت و دلیلی که به آن متمسک شوم

وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْرَحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي

و نه توانم گفت که من این گناه نکرده و این کار زشت بجا نیاورده‌ام و اگر انکار کنم ای مولای من آن انکار به حال من نفعی نخواهد داشت

كَيْفَ وَأَنِّي ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ (عَلِمْتُ)

چگونه از انکار خود سود یابم در صورتی که تمام اعضاء و جوارحم بر هر چه کرده‌ام به یقین و بی‌هیچ شک و ریب همه بر علیه من گواهند

وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرِ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ

و تو محققا از امور بزرگ از من سؤال خواهی کرد



وَأَنْتَ الْحَكِيمُ (الْحَكِيمُ) الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي

و تو البته حاکمی به عدل و هرگز جور و جفا به کسی نخواهی کرد و همان عدل تو مرا هلاک خواهد کرد و از عدل تو باز به عدل کل تو پناه می‌طلبم

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَجِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ

پس هرگاه عذاب کنی به کیفر گناهان من است و پس از اتمام حجت بر من است و اگر بر من ببخشی از حلم و جود و کرم توست

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از درگاه لطفت مغفرت و آمرزش می‌خواهم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤْحِدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از یکتا پرستانم هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از قهرت سخت ترسانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از سطوتت سخت بیمناک و هراسانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو من به درگاه کرمت از امیدوارانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من به شهود جمالت از مشتاقانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من به یکتائیت مقرر و معترفم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من به درگاهت از سائلان و فقیرانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من تو را از تسبیح و تنزیه گویانم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمَكْرَبِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر گویان مقام کبریایی توام

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ

هیچ خدایی جز تو نیست منزهی تو که خدایی من و خدای پدران پیشین من هستی

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِدِكْرِكَ مُوَحِّدًا وَإِقْرَارِي بِالْأَيْدِ مَعْدَدًا

ای خدای من این است ثنا و ستایش من در پیشگاه مجد و عزت و اخلاص من در ذکر مقام توحید و یکتائیت و اقرار و اعتراف من به نعمتهایی که بشمار آوردم

وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا

گرچه معترفم که نعمتهایت را از بس زیاد و فراوان و هویداست

وَتَقَادِمِهَا إِلَيَّ حَادِثٍ مَا لَمْ تَنْزِلْ تَتَّعِدُنِي (تَتَّعِدُنِي) بِمَعَهَا مِنْدُ خَلْقَتِي وَبِرَأْتِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ

در وجود حادث من سبقت داشته آن نعمتهارا بشمار نتوانم آورد که از عهد ازل مرا منظور داشتی و با آن نعمتها از بدو خلقت و اول زندگانی و احتیاجم را به غنا و بی نیازی مبدل ساختی

مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنْ (بَعْدَ) الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتُسْبِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ

و رفع رنج و الم را از من فرمودی و اسباب و وسایل آسایش عطا کردی و دفع هر سختی نمودی

وَتَفْرِيحِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ

و از هر غم و اندوهم رهاندی و عافیت در تن و سلامت در دین بخشیدی

وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ

باری ای منعم حقیقی نعمتت بر من آن قدر بسیار و بی حد و شمار است که اگر خلق اولین و آخرین مرا بر ذکر آن نعمتها کمک کنند

مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ

باز نه من و نه تمام اولین و آخرین بر شمارش قادرند ای ذات پاک بلند مرتبه پروردگار بزرگ کریم مهربان

لَا تُحْصَى الْأَوْكُ وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكْفَى نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

نعمتهايت بشمار نياید و ثنایت را جز تو کس نتواند و نعمتهايت را سپاسگزاری و پاداش ندارد درود فرست بر محمد و آل محمد

وَأْتِمُّ عَلَيْكَ نِعْمَتَكَ وَأَسْعِدُنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

و نعمتت را بر ما به حد کمال رسان و ما را به طاعتت سعادتمند گردان تو منزله از شرک و شریکی و هیچ  
خدایی جز تو نیست

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتُكْشِفُ السُّوءَ وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ

ای خدا البته تو دعای بندگان مضطر و پریشان را اجابت کنی و هر رنج و الم را برطرف گردانی و غمدیدگان را  
به فریاد رسی

وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُعِينُ الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ

و بیماران را شفا بخشی و فقیران را غنی گردانی و جبران حال شکسته دلان کنی به کودکان ترحم و به بزرگان  
یاری فرمایی

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

نه جز تو کسی را یار و یآوری و نه فوق تو در عالم قادری است و تو بلند مرتبه و بزرگ خدایی

يَا مُطَلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا

وَزِيرَ

و بس ای خدایی که اسیران و زندانیان را از حبس آزاد کنی و به طفل صغیر روزی بخشی ای پناه هر دل ترسان که به تو پناهنده شود ای خدای یکتایی که هیچت شریک و مددکاری نیست

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَنْتَ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِكَ

درود فرست بر محمد و آل محمد و در این آخر روز هر نعمت که به هر یک از بندگان عطا می کنی به من بهترین آن را عطا فرما

مِنْ نِعْمَةٍ تُولِيهَا وَالْآءِ تُجَدِّدُهَا وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَ

سَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا

از انواع نعمت ظاهر که بخلق می بخشی و نعمت باطن که همی تجدید می کنی و تازه می گردانی و بلیه و مصیبتها که برطرف می سازی و اندوه و غمی که زایل می کنی و دعایی که مستجاب می گردانی و عمل نیکی که از لطف می پذیری و کار زشتی که می پوشانی

إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَنْشَأِ خَيْرٍ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

که البته تو با لطف ازلی و علم ذاتی بر تمام امور آگاهی و بر کلیه اشیاء قادری

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ

سُئِلَ

ای خدا تو نزدیکترین کسی که از او مسئلت توان کرد و زودتر از همه کس دعای ما را اجابت میکنی و از هر بخشنده کرم و بزرگواریت بیشتر و عطایت وسیعتر است و سائلان را بهتر از هر کس اجابت کنی

يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَاؤُكَ فَأَجِبْتَنِي

ای که در دنیا و آخرت بخلق با لطف و بخششی و در دو عالم بر بندگان مهربانی مقصود بی مثل و مانندی و جز تو آرزویی نداریم هر وقت دعا کردم اجابت فرمودی

وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَقَّعْتُ بِكَ فَجَجَّيْتَنِي وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي

و مسئلت نمودم عطا فرمودی و اظهار شوق نمودم با من مهربانی کردی و بر مهالک و سختیها بر تو اعتماد کردم مرا نجات دادی و هرگاه بدرگاهت زاری کردم مرا کفایت فرمودی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

ای خدا درود فرست بر محمد که بنده و رسول و فرستاده توست و بر همه اهل بیتش که نیکویان و پاکان

عالمند

وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ وَهِنْدِنَا عَطَاءَكَ وَاکْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا لَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ

و نعمت‌هایت را بر ما به حد کمال رسان و عطایت را بر ما گوارا ساز و ما را از شکر گزاران و متذکران نعمت‌های  
خویش محسوب دار و این دعا را از کرم اجابت فرما ای رب العالمین

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرًا وَقَدَرَ فَقْهَرًا وَعُصِيَ فَسْتَرًا وَاسْتُغْفِرَ فَنَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاجِبِينَ

ای خدا ای آنکه بر ملک وجود مالکی و بر هر چیز توانا و قادری و قاهر عیب و نقصان خلق را مستور می‌داری و  
چون آمرزش طلبند می‌آمیزی ای آخرین مقصود طالبان و مشتاقان عالم

وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا

و ای منتها آرزوی دل امیدواران ای آنکه علم ازلیت بر هر چیز محیط و حلم و رأفت و رحمتت بر عذر خواهان  
وسیع است

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعُشِيِّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

ای خدا ما در این عصر که تو اش شرف و عظمت بخشیدی بوسیله پیغمبر و رسول گرامیت حضرت محمد (ص)



وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ

که برگزیده خلق و امین وحی

الْبُشَيْرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ

و مبشر و منذر اهل زمین و چراغ روشن عالم است بدرگاه تو روی آوردیم همان پیغمبری که بوجودش نعمت بزرگ بمسلمین عطا کردی و او را رحمت واسع بر جهانیاانش قرار دادی

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَٰلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ

بار خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) که او از جانب تو لایق این درود است ای خدای بزرگ

فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَجِبِينَ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَإِنَّكَ عَجَّتِ  
الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ

درود فرست بر او و بر اهل بیتش که همه از برگزیدگان و نیکویان و پاکان عالمند و زشتیهای ما را پرده عفو و بخشش بپوشان تویی که به درگاه رحمت فریاد و فغان خلق به انواع زبانهها بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ

پس ما را هم در این عصر از هر خیر و سعادت که میان بندگان قسمت می کنی نصیبی کامل عطا فرما

وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَبَرَكَاتٍ تُنَزِّلُهَا وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و از هر نوری که به آن نور خلق را هدایت می‌کند و رحمتی که بر عالمیان میسر می‌سازد و برکتی که نازل می‌گرداند و لباس عافیتی که می‌پوشاند و رزقی که وسعت دهی ای مهربانترین مهربانان عالم

اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ

ای خدا ما را در این هنگام رستگاری و فیروزی بخش و از آنان که نیکو کاری و بهره‌مندی یافتند قرار ده

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا تَخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ فَضْلِكَ

و از محرومان مگردان و از رحمت بی‌پایانت ما را بی‌بهره مساز و از چشم‌امیدی که به فضل و کرمات داریم  
ناامید مساز

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مُحْرَمِينَ وَلَا لِقْضَلِ مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ

بَابِكَ مَطْرُودِينَ

و از رحمتت ما را محروم مگردان و از آن فضیلت و مرتبت که از عطایت چشم‌انتظار داریم نومید مگردان و از درگاه کرمات ما را مأیوس و مردود مگردان

يَا جُودَ الْجُودِيِّنَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ

ای با جود و بخشش و با لطف و کرمترین به درگاه تو با یقین به فضل و احسانت روی آورده و دعوت به خانه کعبهات را اجابت کرده‌ایم و قصد زیارت آن داریم

فَاعِنَّا عَلَىٰ مَنَاسِكِنَا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَعَفُ عَنَّا وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيَّدِينَا فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ  
مَوْسُومَةٌ

پس تو ای خدا بر اعمال حج ما را یاری فرما و حج ما را کامل و مقبول گردان و از تقصیرات ما درگذر و عافیت و آسایش عطا فرما که ما دستی با ذلت و خواری اعتراف به گناه به درگاهت دراز کرده‌ایم

اللَّهُمَّ فَأَعُظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ

ای خدا ما را به کرمت در این عصر هر چه درخواست می‌کنیم به ما عطا فرما و در مهماتی که از تو بطلب و رحمت می‌طلبیم ما را یاری کن که ما بر کفایت امورمان جز تو کسی نداشته و پروردگاری غیر تو نداریم

نَافِذُ فِينَا حُكْمَكَ مُحِيطٌ بِمَا عَلِمْتَ عَدْلُ فِينَا قِضَاؤُكَ أَفْضَلُ لَنَا الْحَيَّرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْحَيَّرِ

فرمان تو در ماناخذ است و علمت به ما محیط حکم قضا و قدرت در حق ما عدل است تو در حق ما خیر مقدر  
فرما و ما را از اهل خیر و صلاح قرار ده

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا جُودَكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ

ای خدا بر ما به صرف جود و کرم خود فرض و لازم ساز که ما را پاداش عظیم و ذخیره گرانبها و آسایش دائم  
کرامت کنی

وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَلَا تَهْلِكْ مَعَهُ الْهَالِكِينَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ

و گناهان ما را تمام ببخش و ما را با مستحقین هلاک و عذاب به هلاکت مرسان و از ما رأفت و رحمت را باز  
مگیر ای مهربانترین مهربانان

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ وَتَابَ (ثَابَ) إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ

ای خدا ما را در این هنگام از آنان قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آنها عطا فرمودی و شکر را بجای  
آوردند و تو بر نعمت افزودی و به درگاہت توبه کردند و تو توبه‌شان پذیرفتی

وَتَنْصَلِ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَاغْفِرْ تَهْلَاهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و تبری از جمیع گناهان جستند و تو همه را آمرزیدی ای صاحب جلال و بزرگواری

اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا (وَوَفِّقْنَا) وَسَدِّدْنَا (وَاعْصِمْنَا) وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ

ای خدا ما را به هر کار خیر موفق دار و بر طاعتت قوی گردان و تضرع ما را بدرگاهت بپذیر ای بهترین کسی که از او چیزی درخواست کنند و مهربان تر شخصی که از او ترحم جویند

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ

ای خدایی که بر تو چیزی از حرکت مژگان و اشاره به گوشه چشمان و آنچه در مکنون ضمیر استقرار یابد

وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ الْأَكْلُ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ

و نهانیهای دلها پیچیده و پوشیده نیست بتحقیق تمام اینها را دانشت فرا گرفته و حلمت گشادگی بخشیده

سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا سُبْحَانَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ

منزهی تو و بالاتر و برتر از آنچه بیدادگران و کافران بگویند برتری بزرگ تسبیح گوید تو را آسمانهای هفت گانه و زمینها و آنچه در بین آنهاست همه به تسبیح و تقدیست مشغولند و هیچ در عالم نیست جز آنکه تو را تسبیح می کند

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْمَجْدِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ

پس هر ستایش و مجد و بلندی و عزت مخصوص توست ای خدای صاحب مقام و جلال و بزرگواری و فضل و احسان

وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

و نعمتهای بزرگ تنها تویی دارای جود و بخشش و رأفت و مهربانی

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَأَمِنْ خَوْفِي

ای خدا تو از رزق حلال مرا روزی وسیع ده و سلامتی و آسایش در تن و دینم عطا فرما و در خوف و هراسم ایمنی عطا کن

وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَ

الْإِنْسِ

و از آتش دوزخم آزاد گردان ای خدا مرا به مکر خود مبتلا مگردان و به عذاب استدراج به عقوبت سختم مگیر و

مرا رسوا مکن و شر فاسقان جن و انس را از من دور ساز

پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش آب می ریخت مانند دو

مشک و به صدای بلند گفت

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

ای شنواترین شنوندگان و بیناترین بینایان و سریعترین محاسبان و مهربانترین مهربانان عالم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ

درود فرست بر محمد (ص) و آل او که بزرگان و با خیر و برکت‌ترین عالمیاند

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يُضِرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي

و از تو ای خدا درخواست دارم آن حاجتم را که اگر عطا کنی دیگر از هر چه محرومم کنی زیان ندارم

وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و اگر آن حاجتم روا نسازی دیگر هر چه عطا کنی نفعی به حالم ندارد درخواست دارم که از آتش دوزخم رهایی بخشی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمَلِكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا

رَبِّ

خدایی جز تو نیست که یکتایی و شریک نداری و ملک وجود و ستایش مخصوص توست و تو بر هر چیز قادری ای پروردگار ای پروردگار عالم

پس مکرر می گفت یا رب و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعای آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند مؤلف گوید که کفعمی دعای عرفه امام حسین علیه السلام را در بلد الامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سید بن طاوس در اقبال بعد از یا رب یا رب یا رب این زیادتی را ذکر فرموده

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي

ای خدای من در وقت غنا و ثروت فقیرم و به تو محتاجم تا چه رسد به هنگام فقر و بینوایی



إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَأَكُونَ جَهُولًا فِي جَهْلِي

ای خدای من در حال دانایی باز نادانم تا چه رسد به وقت نادانی

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ

ای خدا پس تدبیرت مختلف و گوناگون و تقدیرات سریع التحول است بندگان با معرفتت را این تدبیر و تقدیر مانع می‌شود از اینکه بر عطاء و نعمت آرام یافته و خاطر جمع شوند یا در بلا و سختی از لطفت ناامید باشند

إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ

ای خدا از من آن سزد که به مقام بزرگواری و کرمت شایسته است

إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي أَقْتَمْنِعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي

ای خدا تو پیش از آنکه این وجود ضعیف مرا بیافرینی خود را به رحمت و لطف با من توصیف کردی آیا اکنون بر این وجود ناتوان از آن لطف و رحمت منع خواهی کرد

إِلَهِي إِنَّ ظَهَرَ الْحَاسِنُ مِنِّي فَبِضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ

ای خدا اگر کارهای نیکویی از من پدید آید آن از فضل و عطای توست و تو را بر من منت است

وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ

و اگر اعمال زشتی آشکار گردد آن به عدل توست و تو را بر من حجت است

إِلَهِي كَيْفَ تَكْلِفُنِي وَقَدْ تَكَفَّلْتَ لِي (تَوَكَّلْتُ) وَكَيْفَ أُضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي أَمْ كَيْفَ أُخِيبُ وَ  
أَنْتَ الْحَقِيُّ بِي

ای خدا چگونه مرا بخود وا می گذاری در صورتیکه تو خود متکفل امور هستی یا چگونه کسی بر من ظلم تواند کرد در صورتیکه تو ناصر و یاور من هستی و چگونه من از لطف محروم مانم در صورتیکه تو در حق من رؤف و مهربانی

هَأَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَكَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَضِلَّ إِلَيْكَ

آری من بدرگاهت بفقر و بیچارگیم متوسل می شوم و چگونه فقر که راه به ناحیه قدس تو ندارد وسیله من تواند بود

أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَنْفِي عَنْكَ أَمْ كَيْفَ أُتْرَجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزُ إِلَيْكَ

یا من چگونه از حال خود بر تو شکایت کنم در صورتیکه عالم بر تو پنهان نیست یا چگونه سختم ترجمان درون تواند بود در صورتیکه آن سخن تو آشکار بسوی تو می‌گردد

أَمْ كَيْفَ تُحِبُّ آمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ

یا چگونه تو از امید و آرزوهایی که به کرمتم دارم ناامیدم خواهی کرد در صورتیکه آن آرزوها بر درگاه چون تو کریمی وارد است

أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ

فَعَلِي

یا چگونه احوال مرا نیکو نگردانی و حال آنکه قیام احوالم به توست ای خدا چقدر تو با من لطف و محبت داری با آنکه جهل و ناسپاسیم بسیار است و چقدر در حق من مهربانی با آنکه کردارم زشت است

إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ وَمَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يُحِبُّنِي عَنْكَ

ای خدا تو چه اندازه بمن نزدیکی و من تا چه حد از تو دورم و چقدر تو با من رأفت داری و باز آن چیست که مرا از تو محجوب داشته

إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَقْلَابِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَّعَرَفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ  
حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ

ای خدا من از اختلاف تأثرات و گوناگون شدن تحولات جهان بر من دانستم غرض تو از آفرینش من آن است که تو خود را در هر چیز بمن شناسا کنی و من در هیچ یک از امور عالم از تو غافل و جاهل نباشم

إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ وَكُلَّمَا آيَسَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مِنْكَ

ای خدا هر چه بی قدری و خواریم زبان مرا لال میکند کرم و بزرگواریت باز نطقم را گویا میگرداند و هر چه اوصاف من مرا مأیوس می سازد احسان تو مرا به طمع می آورد

إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مُحَاسِنُهُ مَسَاوِيٍّ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيٍّ مَسَاوِيٍّ وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِيٍّ  
فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيٍّ دَعَاوِيٍّ

ای خدا کسی که محاسن و خوبیهایش بدی است پس چگونه زشتی و بدیهایش بد نخواهد بود و کسی که حقیقتهایش دعوی باطل است چگونه دعوی بی حقیقتش باطل نخواهد بود

إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ لِدِي مَقَالَ مَقَالًا وَلَا لِدِي حَالَ حَالًا

ای خدا فرمان نافذ مشیت قاهر غالبت نه جای سخن بر گوینده باقی گذارد و نه حال ثابتی بر صاحب حالی

إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَدَيْتُهَا وَحَالَةٍ شَيْدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ أَقَالَني مِنْهَا فَضْلُكَ

ای خدا چه بسیار شد که بنای طاعتی گزاردم و عزم محکم نمودم و آن عزم و بنای مرا عدل تو منهدم ساخت، نه، بلکه فضل تو مرا از آن عزم برگردانید

إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزُمَا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا

ای خدا تو خود می دانی و آگاهی که اگر من در مقام عمل دایم به طاعتت اشتغال ندارم البته در دل عزم محبت و طاعتت را دایم دارم

إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ

ای خدا چگونه بر کار طاعتت عزم کنم و حال آنکه تویی قاهر و چگونه عزم نکنم در صورتی که تویی آمر

إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الزَّارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ

ای خدا چون به یکایک آثار که برای شناسائیت توجه کنم راه وصول و شهودت بر من دور گردد پس مرا خدمتی فرما که بوصول و شهود جمالت زود رساند

كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ

چگونه من به آثاری که در وجود خود محتاج تواند بر وجود تو استدلال کنم

أَيُّ كُنْ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الظُّهْرَ لَكَ

آیا موجودی غیر تو ظهوری دارد که از آن ظهور و پیدایی تو نیست تا او سبب پیدایی تو شود

مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ

تو کی از نظر پنهانی تا به دلیل و برهان محتاج باشی

وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ

و کی از ما دور شدی تا آثار و مخلوقات ما را به تو نزدیک سازد

عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا وَ خَسِرَتْ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا

کور باد چشمی که تو را نمی بیند با آنکه همیشه تو مراقب و همنشین او هستی و در زیان باد بنده‌ای که

نصیبی از عشق و محبت نیافت

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكَسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْإِسْبِطَارِ

ای خداتو امر کردی که خلق برای شناسائیت رجوع به آثار کنند اما مرا رجوع ده به تجلیات انوار و به رهنمایی مشاهده و استبصار

حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا

تا بی توجه به آثار به شهود حضرتت نایل گردم که چون به مقام معرفت وارد شوم سر درونم توجه به آثار نکرده

وَمَرْفُوعِ الْهَمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و همتم بلندتر از نظر به آنها باشد که تنها تو بر هر چیز توانایی

إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَهَذَا حَالِي لَا يَمُنُّ عَلَيْكَ مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ

ای خدا من این بندهام که ذلت و خواریم نزدت پیداست و این حال پریشانم که از تو پنهان نیست از تو ای خدا وصال تو را می خواهم

وَبِكَ اسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَأَهْدِنِي بُورِكَ إِلَيْكَ وَأَقْمِنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

و به وجود تو دلیل بر وجود تو می‌طلبم پس مرا به نور خود به کوی وصال رهبری کن و به صدق و خلوص  
بندگی در حضورت پایدار گردان

إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَصُنِّي بِسِتْرِكَ الْمُصُونِ

ای خدا مرا از علم مخزون خود بیاموز و در سرا پرده خود محفوظ دار

إِلَهِي حَقَّقَنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَأَسْلَكَ بِي مَسَلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ

ای خدا روانم را به حقایق مقربان درگاهت بیارای و به مسلک و طریقه مجذوبان رهسپار ساز

إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَكَزِ اضْطِرَارِي

ای خدا مرا به علم و تدبیر کاملت از تدبیرم در کار خویش بی‌نیاز گردان و به اختیار خود امور دو عالمم را منظم

ساز و به اختیار من کارم را وامگذار و در مواضع اضطرار و پریشانی مرا واقف گردان

إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشَرَكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي

ای خدا مرا از خواری نفسم رهایی ده و از پلیدی شک و شرک جانم پاک ساز پیش از آنکه مرگم فرا رسد



بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْني وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْني وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُحَيِّبْني وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا  
تُحْرِمْني

من از تو یاری می‌طلبم مرا یاری فرما و بر تو توکل می‌کنم پس مرا وا مگذار و از تو درخواست می‌کنم پس  
ناامیدم مگردان و به تفضل و کرم تو چشم دارم پس محرومم مساز

وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْني وَبِيبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْني

و به بندگی حضرتت خود را منتسب می‌دانم پس دورم از الطافت مگردان و بدرگاه کرمت آمده‌ام از آن درگاهم  
مران

إِلْهِ تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي

ای خدا خوشنودی و محبتت منزّه‌تر از آن است که از طرف تو نقص و عیب یابد پس چگونه از طرف من تواند  
یافت با آنکه محبتت ببندگان ذاتی است ذی سببی از طرف توهم معلل نخواهد بود

إِلْهِ أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَضِلَّ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونَ غَنِيًّا عَنِّي

ای خدا تو غنی به ذات خودی و نفعی از طرف تو به ذاتت عاید نگردد پس چگونه از من مستغنی نباشی

إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَمْنِينِي وَإِنَّ الْهُوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي

ای خدا قضا و قدر تو مرا آرزومند می کند و هوای نفس به زنجیر علاقه های شهوت اسیر می گرداند

فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي وَأَعْنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي

پس تو ای خدا مرا یاری کن و بصیرت و بینایی ده و بر نفسم غلبه و نصرت بخش و به فضل و کرمت مرا غنی گردان تا به لطف تو از سعی و طلب خود بی نیاز گردم

أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ

تویی که به انوار تجلی بر دل اولیاء و خاصانت اشراق کردی تا به مقام معرفت نایل شدند و تو را به یکتایی شناختند

وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتِ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجُؤْا إِلَى غَيْرِكَ

تویی که از دل دوستان و مشتاقانت توجه اغیار را محو کردی تا غیر تو را دوست نداشته و جز درگاهت به جایی پناه نبرند

أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمُ

تویی یار و مونس آنان چون عوالم آنها را متوحش سازند

وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ

تویی که چون آنان از هر نشان و برهان دور شدند خود آنان را راهنمایی کردی آنکه تو را نیافت چه یافته و آنکه تو را یافت چه نیافته است

لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ

هر کس به هر چه غیر تو مایل شد از هر چیز محروم شد و هر که روی طلب از تو گردانید زیانکار گردید چگونه چشم امید به غیر تو کنند

وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ

در صورتی که تو هرگز قطع احسان از بندگان نکرده و نخواهی کرد و چگونه از غیر تو چیزی طلبند و حال آنکه تو عادت لطف را تغییر نداده و نخواهی داد

يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَاسَّاتِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ

ای آنکه شیرینی انست را به دوستانت چشاندی تا تنها در حضور تو به تملق ایستادند

وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ

ای آنکه اولیاء و خاصانت را به لباس هیبت و جلال بیاراستی تا در حضرتت عذر خواه آمد و آمرزش طلبیدند

أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ

تو یاد بندگان کنی قبل از آنکه بندگان از تو یاد کنند و تو ابتدا به احسان کنی پیش از آنکه عابدان به تو روی آرند

وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ

تویی که بجزود و بخشش ذاتی بخلق عطا می کنی پیش از آنکه طالبان حاجت درخواست کنند تو آن بخشنده بی عوضی که از آنچه به ما عطا کردی باز از ما قرض می خواهی

إِلَهِي اطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ

ای خدا مرا از در رحمتت بطلب تا به تو واصل شوم و به جاذبه احسانت مجذوبم کن تا یک جهت روی دل بسوی تو کنم

إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصِيَّتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ

ای خدا هرگز امیدم از تو قطع نمی‌شود هر چند نافرمانیت کنم چنانکه از دلم ترس تو برطرف نمی‌گردد هر چند اطاعتت کنم

فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ

که مرا همه عالم بسوی تو افکند و آگاهیم به کرم و بزرگواریت مرا بدرگاه تو کشانید

إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي

ای خدا چگونه ناامید باشم در صورتیکه تو آرزوی منی یا چگونه کسم خوار تواند کرد با آنکه اعتمادم بر توست

إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الذَّلَّةِ أَرْكُزْتَنِي أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي

ای خدا چگونه دعوی عزت کنم و حال آنکه مرا در ذلت متمکن ساخته‌ای و چگونه دارای تاج عزت نباشم در صورتیکه نسبت بندگی بتو دارم

إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي

ای خدا چگونه فقیر و مسکین نباشم در صورتی که توام در میان فقیران گماشتی

## أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بَجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ

و چگونه فقیر باشم با آنکه تو به جود و کرمت مرا بی نیاز گردانیدی و تویی آنکه جز تو خدایی نیست

## تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلْتُ شَيْءٍ

تو خود را بر هر چیز معروف و مشهور ساختی که هیچ موجودی از معرفتت جاهل نیست

## وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ

و تویی که در همه موجودات تجلی کردی و خود را بمن نشان دادی در هر چیز آشکارا تو را دیدم تویی که بر

هر چیز پیدایی

## يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَاتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحَقَّتْ الْأَثَارُ بِالْأَثَارِ وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارُ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ

ای آنکه برحمت واسعه و تجلی نور جمال بر همه عالم احاطه کردی تا آنکه عرش وجود امکانی در سطوع انوار  
وجوبیت پنهان گردید آثار وجودی را به آثار وجودی دیگر نابود کردی و اغیار را به احاطه مدار انوار تجلیات خود

محو نمودی

## يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ

ای آنکه در سرا پرده‌های نور قاهر عرش جلالت از دیده‌ها پنهان گشتی

## يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ (مِنَ الْإِسْتِوَاءِ) كَيْفَ تَنَفَّى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ

ای آنکه به کمال بهاء و نورانیت تجلی کردی تا به عظمت و جلال تمام مراتب وجود را فرا گرفتی چگونه

پنهانی با آنکه تو تنها پیدایی

## أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

یا چگونه غایبی با آنکه تو تنها همه جا حاضر همه را نگرهبانی و بر هر چیز توانا و مقتدری و ستایش تنها

مخصوص خدای یکتا است.

و بالجمله، کسی که توفیق یابد و این روز را در عرفات باشد، ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعاست و در تمام ایام سال، این روز شریف به جهت دعا امتیازی دارد و دعا از برای برادران مؤمن، از زنده و مرده بسیار باید کرد و روایت وارده در حال عبدالله بن جندب رحمه الله در موقف عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود مشهور است و روایت زید نرسی در حال ثقه جلیل القدر، معاویه بن وهب، در موقف و دعای او در حق یک یک از اشخاصی که در آفاق بودند و روایت از امام صادق علیه السلام در فضیلت این کار، شایسته ملاحظه و دیدار است و رجاء واثق از

برادران دینی آنکه اقتدا به این بزرگواران نموده و مؤمنین را درد عا بر خود ایثار نموده و این گنهکار روسیاه را یکی از آن اشخاص شمرده و در حال حیات و ممات از دعای خیر فراموشم نفرمایند.